

# روش تصحیح نسخه‌های خطی

سخنی از مترجم

کلاسی برای آموختن شیوه تحقیق دایر کنند؛ یا نشریه‌ای سودمند در این زمینه منتشر نمایند.

نبودن مرجعی شایسته و مرکزی بایسته، سبب پراکندگی و بی‌بند و باری اهل ذوق و مطالعه گردیده و در نتیجه اکثر محققان روزگار مادر اندیشه آن هستند که متنی را با ذوق و سلیقه خویش منتشر کنند و هرگز به فکر

خوانندگان و مطالعه کنندگان تازه کار و کم تجربه نباشند.

نتیجه‌ای که از این تک‌روپها و ندانم‌کاریها به بار آمده آن است که در میان برخی از اهل تحقیق، صفا و محبت و یگانگی جای خود را به دشمنی و نفاق و بیگانگی داده است، آنان در هر محفلی به یکدیگر می‌تازند، در هر فرصتی، به زشت‌یاد و دشنام می‌پردازند و بارها دیده شده که برای تصفیه حساب، تمام فضایل مردی اندیشمند را نادیده می‌انگارند.

مانند: محقق با ابتکار و ذوق و سلیقه خویش متنی را تصحیح و منتشر می‌کند، محقق دیگر پس از آنکه مدت‌ها اوقات ارزنده خود را صرف مطالعه و بررسی آن کرده، عیوب کار مصحح را برمی‌شمرد و با زبانی ملایم - گاهی هم تند و نیش‌دار - به او گوش‌زد می‌کند که این خطاها را مرتکب شده‌ای و اگر چنان می‌کردی بهتر بود، با آنکه هرگونه نقد و انتقاد، از توطئه سکوت بهتر است، زیرا حداقل فایده‌اش آن است که گروهی دیگر از اهل کتاب برای آگاهی بیشتر به مطالعه متن انتقاد شده خواهد پرداخت؛ ولی بیشتر محققان کم‌حوصله، از خواندن یا شنیدن عیوب کار خود آزرده خاطر می‌شوند و چون در کار تحقیقی خویش از شیوه‌ای علمی که مورد قبول

با آنکه بیش از یکصد سال از آغاز کار تصحیح نسخه‌های خطی فارسی و عربی توسط خاورشناسان می‌گذرد، هنوز شیوه پسنندیده علمی آنان در میان مصححان و محققان مشرق زمین رواج کامل نیافته است. هرکس بنا به تشخیص خود یا به تقلید از دیگران برای چاپ و تکثیر نسخه‌ای اقدام می‌کند، در

بیشتر موارد مشکلات و اغلاط متن چاپی چندین برابر نسخه اصل می‌شود و خواننده در برابر مشکلاتی پیچیده و حل‌ناشدنی قرار می‌گیرد.

در مراکز تحقیقی و دانشگاه‌ها و مؤسساتی که احیای متون قدیم را در برنامه کار خود قرار داده‌اند نیز، هم‌آهنگی وجود ندارد، یعنی شیوه کار دانش پژوهانی که برای این مرکز به تصحیح و تحقیق مشغولند یکسان نیست، و اگر به فرض یکصد نسخه خطی تصحیح شده، توسط آنان منتشر شده باشد، مشاهده می‌شود که در تصحیح هر یک، از شیوه‌ای خاص پیروی شده که با آن دیگر متفاوت است. شگفت‌تر آنکه در اکثر کتابهایی که هر یک از این مراکز علمی و تحقیقی منتشر می‌کنند، رسم الخط یکسان رعایت نمی‌شود، یعنی با آنکه مسئول چاپ کتاب هر مؤسسه یک نفر است، آن یک نفر هم نتوانسته است پای‌بند سبک و شیوه یکسان بوده باشد و لااقل این یکنواختی را در کتابهایی که زیر نظر او منتشر می‌شود، رعایت کند.

مسئول این نقیصه، یک فرد یا یک شخص معین نیست، بلکه این گناه به گونه مستقیم دامن دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقی را می‌گیرد، زیرا با آنکه سالیان دراز از پیدایش آنان می‌گذرد، هنوز نتوانسته‌اند

همگان بوده باشد، پیروی نکرده‌اند و برای قانع کردن ناقد یا منتقد پاسخی منطقی ندارند، به جای اعتراف به خطا - که شیوه جوانمردان است - می‌کوشند تا خویشتن را دانا و طرف مقابل را نادان جلوه دهند، در صورتی که اگر همچون دانشی مردان آزاده، از ادای جمله «نمی‌دانم» نمی‌هراسیدند، برای گروهی بی‌کار و پخته‌خوار، که از جنگ و ستیز اهل دانش و بینش لذت می‌برند، این فرصت پیش نمی‌آمد که در هر محفل و مجلس با تکرار این نقد یا انتقاد، آتشی در جان و دل شخص انتقاد شده برافروزند و در نتیجه دشمنی ریشه‌دار و بدبینی دائمی در میان آنان ایجاد کنند.

محمدبن موسی خوارزمی در آغاز کتاب الجبر و المقابله خود که در حدود یک‌هزار و یکصد و هشتاد سال پیش از این تألیف کرده<sup>۱</sup>، هدف دانشمندان را از نگارش و تألیف، بیان می‌کند و در تعریف نویسنده و محقق سخنی جاودانه می‌گوید. ترجمه قسمتی از سخن او که به این بحث مربوط می‌شود، این چنین است: «و دانشمندان روزگاران گذشته و اندیشمندان ملت‌های پیشین پیوسته سرگرم نگارش و آفرینش بوده‌اند، به اندازه توانایی و بینش برای مردم پس از خود، در انواع دانش و گزیده‌های فلسفه، کتابها تألیف و تصنیف کرده‌اند، به این امید که در دیگر سرای پاداشی برنند و در زندگی از آنان نام نیک بر جای ماند، نامی که تمام ثروتها و پیرایه‌هایی که با زحمت و رنج بسیار به دست می‌آید، در برابر آن هیچ است و رسیدن به آن به اندازه کشف اسرار جهان و حل مشکلات علمی دشوار. مؤلف سه گونه است:

یا دانشی مردی است که برای اولین بار دانشی را ابداع یا کشف می‌کند. در این صورت مردم پس از او در حکم وارثان او خواهند بود، یا اندیشمندی است که آثار پیشینیان را شرح و تفسیر می‌کند و مطالب مبهم و پیچیده را روشن می‌سازد و راه ساده‌تری نشان می‌دهد و نتیجه‌گیری را آسان می‌کند. یا خردمندی است که در برخی از کتابها به نادرستی و آشفتگی بر می‌خورد، پس آن نادرستی را اصلاح می‌کند و عیوب را برطرف می‌سازد، با خوشبینی به کار نویسنده می‌نگرد و بر او خرده نمی‌گیرد و از اینکه متوجه خطا و اشتباه دیگران شده به خویشتن نمی‌بالد.

این است شیوه آزادگان دانش آفرین که متأسفانه برخی از عالم نماهای روزگار ما از آن بی‌خبر مانده‌اند، یعنی با آنکه ارزش کارهای تحقیقی خاورشناسان و کوششهای پیگیر آنان در تصحیح متون واقعی است که اهل انصاف به آن گردن می‌نهند؛ ولی در این اواخر دیده شد که گروهی به تحقیر آنان پرداختند و نسبتهای ناروایی به آنان دادند که از انسان خردمند و بینادل بعید می‌نمود.

امانت‌داری خاورشناسان در کار تصحیح و تحقیق شیوه پسندیده‌ای است که مورد تأیید استادان مسلم علم و ادب فارسی قرار گرفته است. تردیدی نیست که خاورشناسان گاه و بی‌گاه در کار داوری دچار لغزش شده‌اند؛ یا بواسطه دور بودن از قلمرو زبان، از درک برخی ریزه کاریهای ادبی محروم مانده‌اند؛ ولی انصاف آن است که این خطاهای کوچک را در برابر خدمات ارزنده‌ای که در کار تصحیح متون انجام داده‌اند، نادیده انگاریم، و به حق تقدم و فضیلت پیشوایی آنان را در این زمینه گردن نهیم.

خدمات دیگر شرق‌شناسان کار فهرست نویسی و نسخه‌شناسی است، می‌دانیم که خاورشناسان در تصحیح متون مبتکر بوده‌اند و شیوه‌ای را که آنان برگزیده‌اند، در شرق میانه کاملاً بی‌سابقه بوده است؛ ولی همین خاورشناسان بدون تردید کار فهرست‌نویسی را از مشرق زمین آموخته‌اند. یعنی از شیوه پسندیده‌ای که «ابن ندیم» هزار سال پیش از این با تألیف کتاب الفهرست بنیان نهاده - و تا زمان «حاجی خلیفه» صاحب کشف الظنون که این فن راه کمال پیموده، پیروی کرده‌اند - کوشش خاورشناسان در این زمینه نیز با موفقیت همراه بوده است و کارهایشان برای فهرست‌نویسان مشرق زمین می‌تواند نمونه باشد؛ اما متأسفانه اکثر فهرست‌هایی که در این اواخر برای کتابهای خطی فارسی تهیه شده از شیوه علمی دقیق بی‌بهره است، یعنی در تدوین آنها نه از سبک پسندیده قدمای مشرق زمین پیروی شده و نه شیوه علمی خاورشناسان رعایت گردیده است.

کار نقطه‌گذاری متون نیز، همچنان دستخوش هرج و مرج است، با آنکه چند کتاب و مقاله سودمند از طرف اهل بصیرت و تحقیق در این زمینه منتشر شده، هنوز در میان اهل قلم بر سر این موضوع وحدت کلمه ایجاد نشده و درست مشخص نگردیده که جای نقطه و ویرگول... در کجاست؟

از آنچه گفتیم و برشمرديم به این نتیجه کلی می‌رسیم که نبودن مرکز و مرجعی صالح و نا‌آشنایی به شیوه علمی یکسان، باعث ایجاد برخی آشفتگیها و نابسامانیها در کار تحقیق گردیده است. خوشبختانه در این اواخر با پیدایی برخی از مراکز علمی و فرهنگی که افراد لایق و شایسته‌ای در رأس آنها قرار گرفته‌اند، امید بهبود این آشفتگی افزون شده، از جمله، بنیاد فرهنگ ایران، اولین گام را برای یکنواخت کردن رسم الخط در متون فارسی برداشته و در کتابهایی که تا کنون به وسیله این مرکز علمی منتشر شده، این شیوه پسندیده تا حد

۱. یعنی هنگام نوشتن مقدمه مترجم، در سال ۱۳۴۶ ش. (میراث شهاب).

و متونی در دسترس ما گذاشتند که شناسایی آنها بدون کمک ایشان ممکن نبود. خاورشناسان برای انتشار متون عربی شیوه‌ای به کار بردند که در اروپا برای انتشار متون کلاسیکی لاتینی و یونانی از آن پیروی می‌شد. این شیوه دقیق در تصحیح متون امانت را تضمین می‌کرد و متن منتشر شده را همچنان که در اصل تدوین شده بود به دست می‌داد.

در این قرن، گروه خاورشناسان آلمان (DMG) برای انتشار متون عربی در سلسله انتشارات اسلامی *Bibliotheca-islamica* زیر نظر خاورشناس بزرگ: «ه. ریتر» و گروه «گیوم بوده» (Association Guillaume Bude) در فرانسه از این شیوه پیروی کرده و می‌کنند، و در گذشته تمام خاورشناسان از آن پیروی کرده‌اند.

با آنکه پیروی از این شیوه علمی که مورد قبول خاورشناسان بوده و اطلاع به قواعد تصحیح متون و برگزیدن مطالب درست، بر هر مصحح و محقق فرض است؛ ولی آنان که در کار تصحیح، این شیوه را دنبال کرده باشند، اندک‌اند.

چون اکنون در کشورهای عربی، نهضت علمی نیرومندی آغاز شده و گروه زیادی به تصحیح و انتشار متون قدیمی پرداخته‌اند، و شیوه‌هایی که این ناشران پیروی می‌کنند، همان گونه که گفتیم، متفاوت است؛ از تنظیم قواعد علمی دقیقی که مورد قبول اهل تحقیق باشد، چاره‌ای نیست. بنابراین، برای آنکه شیوه‌های بررسی و انتشار متون یکی گردد، این قواعد را پیشنهاد می‌کنیم؛ قواعدی که نتیجه‌اش یکی شدن شیوه‌های انتشار و معرفی متون است، و ما آن را از شیوه‌های خاورشناسان آلمانی و گروه «گیوم بوده» برگزیده‌ایم و از شیوه محدثان پیشین در ضبط روایات و آنچه که درباره این موضوع پیش از این منتشر شده بهره گرفته‌ایم. علاوه بر مواردی که ذکر شد، از مشکلاتی که در اثناء تصحیح و انتشار چند متن قدیمی پیش آمده

۱. این ترجمه، اول بار ضمیمه مجله الدراسات الادبیه، در بیروت، منتشر شد و اینک با پاره‌ای اصلاحات به مناسبت نمایشگاهی که از نسخ خطی در کشور افغانستان تشکیل خواهد شد، تجدید چاپ می‌شود. مجله الدراسات، شرح حال مؤلف را در آغاز چاپ اول، چنین می‌نگارد: «آقای دکتر صلاح الدین منجد از محققان دانشمند و پرکار عرب است که در محافل علمی و ادبی به خوبی شناخته شده و آثار مطبوع وی، چه مؤلفات شخصی و چه کتابهایی که به تصحیح و تحقیق وی منتشر شده فراوان است. دکتر منجد در اصل از مردم سوریه است که سالها در قاهره، اداره قسمت نسخه‌های خطی جامعه عرب را بر عهده داشته و به آن مؤسسه خدماتی گرانها کرده، و اکنون چندین سال است که در بیروت رحل اقامت افکنده، و در این شهر به کار تحقیق و نشر کتاب سرگرم است.»

۲. یعنی هنگام نوشتن، این پیشگفتار، در سال ۱۳۴۶ش (میراث شهاب).

بسیار رعایت شده است، این موفقیت را باید به گرداندگان این مرکز علمی تبریک گفت. امید است مشکل ناهم آهنگی تصحیح متون نیز با حمایت و نظارت این‌گونه مؤسسات از میان برخیزد.

رساله‌ای که ترجمه فارسی آن اینک برای دومین بار<sup>۱</sup> منتشر می‌شود، گزیده کار محققان شرق و غرب است. نام اصلی این رساله قواعد تحقیق المخطوطات است که دکتر صلاح الدین منجد آن را به زبان عربی تألیف کرده است و تا کنون علاوه بر زبان فارسی، به زبانهای فرانسه، ایتالیایی، اسپانیایی، انگلیسی و آلمانی ترجمه شده است.

در این رساله، حدود کار تصحیح و تحقیق، به دقت تعیین شده و تمام نکاتی را که هر محقق باید در کار تصحیح رعایت کند، آشکارا و با ذکر مثال بیان گردیده است. امید است این ترجمه، در هم آهنگ ساختن متون فارسی که به وسیله اهل تحقیق تصحیح و منتشر می‌شود، مؤثر واقع شود.

\* \* \*

## پیشگفتار

یکربع قرن<sup>۲</sup> است که اعراب برای بررسی و نشر میراث علمی و ادبی خود کوششی آغاز کرده‌اند، در حالی که خاورشناسان بیشتر از صد سال پیش از آنان، به بررسی و نشر این میراث پرداخته بودند. گرچه گروهی از این خاورشناسان در لغت عرب یا شناخت متون ضعیف بوده‌اند؛ ولی با پیروی از شیوه دقیق علمی توانسته‌اند قسمتی از متون عربی را تصحیح و منتشر کنند.

اعراب در تصحیح و انتشار متون، خواستند شیوه خاورشناسان را دنبال کنند. عده‌ای دانشمند که به شیوه علمی آشنا بودند، در کار خود موفق شدند، و گروه دیگر به دلیل کمی اطلاع از این شیوه علمی، که پیروی از آن برای تصحیح و انتشار متون بر هر محقق لازم است، در این کار شکست خوردند. بنابراین برای پرده‌پوشی بر نقص خود، کوشیدند، تا کار خاورشناسان را نادیده انگارند یا به مسخره بگیرند.

کوچک شمردن کار خاورشناسان و انکار شیوه علمی آنان به جهت نادانی گروهی از این شیوه علمی و دل‌بستگی به سنتهای غلط گذشته، تا بدانجا بالا گرفت که هر مصحح و ناشری، در کار خود شیوه‌ای را برگزید و پنداشت، راه تازه‌ای ابتکار کرده است.

انصاف آن است که به فضل تقدم خاورشناسان که از قرن گذشته برای انتشار متون عربی آغاز شده، اعتراف کنیم؛ زیرا آنان نخستین کسانی بودند که ما را متوجه متون عربی و نوادر مخطوطات نمودند

بود، استفاده کردیم.

از اهل تحقیق دعوت می‌کنیم، این موضوع را مورد نقد و پیروی قرار دهند، باشد که به‌خواست خدا، در این زمینه به نتیجه‌ای که باعث یکی شدن شیوه انتشار و تصحیح متون است، نائل شویم.

### کوششهای گذشته برای وضع شیوه تصحیح و انتشار متون

فقدان دلیلی که شیوه انتشار متون را رهبری کند و مورد قبول همگان باشد، بعضی مؤسسات علمی، یا انجمن‌ها، یا دانشمندان را واداشت، تا برای انتشار پاره‌ای از متون خطی شیوه‌هایی پیشنهاد کنند. حق آن است که زحمات آنان را بستانییم و برتری آنان را یادآور شویم.

اول مؤسسه علمی که برای بررسی متون قدیم شیوه‌ای پیشنهاد کرد «مجمع علمی عربی دمشق» بود. این مؤسسه، چون خواست تاریخ دمشق را منتشر کند - این کتاب مفصل‌ترین تاریخی است که درباره شهری نوشته شده، و شامل هشتاد مجلد است - از دانشمندان دعوت کرد، برای بررسی و تصحیح مجلدات این تاریخ قواعدی وضع کنند که مورد استفاده مصححان واقع شود؛ و من یکی از اعضای این گروه بودم.

این گروه شیوه مختصری پیشنهاد کرد که بازگوکننده شیوه‌های بزرگ تصحیح و انتشار است.

در این شیوه آمده است: «چون هدف از بررسی کتاب تقدیم متن صحیح است، بنابراین بایستی به اختلاف روایات توجه شود و مطالب درست ثبت گردد. در تعلیق، اختصار رعایت شود، تا متن کتاب با تعلیقات مفصل سنگین نگردد. اعلام اعراب‌گذاری شود، و لغات مشکل تفسیر گردد، و از ذکر روایان احادیث چشم‌پوشی شود، و در آشکار ساختن یک نقطه و دو نقطه و فاصله و علامتهای استفهام و تعجب برای روشن شدن مطالب متن بخل نشود»<sup>۱</sup>.

از گروه‌های علمی رسمی که برای تنظیم این شیوه علمی کوشیده‌اند، ما تنها از گروهی که بررسی کتاب شفای ابن سینا را به‌عهده گرفتند، یاد می‌کنیم.

نوشته‌های آقای دکتر ابراهیم مدکور، درباره «شیوه تصحیح متون» نشان می‌دهد که این گروه تا حد ممکن برای گردآوری افتادگیهای نسخه‌های خطی کتاب شفا کوشیده‌اند و شیوه التقاطی (النص - المختار) را برگزیده‌اند. یعنی از نسخه‌های خطی «که گمان می‌رفته بازگوکننده رأی مؤلف است و عباراتش نیکو ادا شده» انتخاب گردیده، و به ذکر اختلاف روایات توجه شده، و آنچه صحت آن برای گروه مسلم شده، مانند: محکمی عبارت، و درستی

معنی، و لغات و تعبيرات مخصوص ابن سینا، و آنچه که مورد تأیید دیگر مؤلفات اوست، در متن قرار گرفته است. اعضای این گروه فقط اختلاف روایات و شرح لغات ضروری را در پاورقی نقل کرده‌اند. این کار برای آن بوده که «متن و روایاتش با دیگر اضافات سنگین نگرده». چون بایستی «متن با روح زمان و شیوه متداول هم‌آهنگ باشد. علامات و شماره‌گذاریها را گسترش داده‌اند»<sup>۲</sup>.

شبهات شیوه گروه مجمع علمی دمشق و شیوه گروه محققان کتاب شفا آشکار است.

اما از افرادی که درباره شیوه تصحیح و نشر متون چیزی نوشته‌اند، دکتر محمد مندور و آقای عبدالسلام هارون را می‌شناسیم.

اولی به اختصار از شیوه‌های تصحیح متون کلاسیکی در دو مقاله که در مجله الثقافة منتشر شده، بحث کرده است و کتاب قوانین الدوا این ممانی<sup>۳</sup> را مورد نقد قرار داده است.

دومی کتابی به نام: تحقیق النصوص و نشرها<sup>۴</sup> تألیف کرده است. این کتاب شامل سخنرانیهای مؤلف است که برای دانشجویان دانشسرای [قاهره] ایراد شده است. این کتاب کم عمق، شامل اطلاعات گونه‌گون بسیار است. از جمله، اینکه «تمدن عربی چگونه به ما رسیده» و از «ورق و ورقان» و از «انواع خط» بحث کرده است. با آنکه در سالهای اخیر درباره این مطالب بحثهای عمیق‌تر و کامل‌تری منتشر شده، مؤلف از آنها بهره نگرفته است<sup>۵</sup>. آنگاه از اساس «متون» و «مکملهای تازه» و مطالبی غیر از اینها که در کار تصحیح و نشر مورد نیاز هر مبتدی است، سخن گفته است.

انتقادی که بر مؤلف آن وارد است، آن است که ابدأ به نوشته‌های اروپاییان در این زمینه توجهی نکرده، تا کتابش بی‌نقص و شیوه‌ای که عرضه می‌کند، کامل باشد. مؤلف میان شیوه بررسی متون و علمی که به کار تحقیق کمک می‌کند، مانند: خط‌شناسی یا مأخذشناسی و غیر آنها را با هم درآمیخته است؛ در حالی که

۱. رک: مقدمه جلد اول تاریخ دمشق.

۲. رک: کتاب شفاء (المنطق)، مدخل. مقدمه دکتر مدکور ص ۳۸-۴۲ (قاهره، ۱۹۵۳م).

۳. رک: مجلة الثقافة، شماره ۲۷۷ و ۲۸۰، سال ۱۹۴۴م.

۴. تحقیق النصوص و نشرها، عبدالسلام هارون، قاهره، ۱۹۵۴م.

۵. رک: مقالة دکتر یوسف العشي، با عنوان: «التدوين و المعاجم»، مجلة مجمع علمی دمشق، ۱۹۴۱م، ۴۲۲/۱۶؛ و نوشته دکتر محمد حميدالله، همچنین درباره «التدوين» هنگام تصحیح «صحيفة همام بن منبه»، مأخذ سابق، ۲۸/۹۶، ومقالة حبيب زيات، درباره «الوراقة و الوراقين»، مجلة مشرق، ۴۱/۳۰۵، ومقالة كوركيس عواد، درباره «الكاغذ و الورق»، مجلة مجمع علمی دمشق، ۲۳/۴۰۹ و مجلة سومر.

تا مطمئن شویم، نسخه‌ای که در اختیار ماست، آخرین شکلی است که مؤلف برای کتاب خود وضع کرده است.<sup>۱</sup>

۳. پس از نسخه مؤلف، نوبت به نسخه‌ای می‌رسد که مؤلف آن را پس از کتابت دیگران خوانده است، یا آنکه برایش خوانده شده و مؤلف با خط خود اعتراف کرده که نسخه را خوانده، یا برایش خوانده‌اند.

۴. آنگاه نوبت به نسخه‌ای می‌رسد که از نسخه مؤلف نقل شده، یا آنکه با آن مقایسه و مقابله گردیده است.

۵. نسخه‌ای که در زمان حیات نویسنده کتابت شده باشد و دارای تعلیقات و حواشی دانشمندان باشد.

۶. نسخه‌ای که در روزگار مؤلف کتابت شده و فاقد این تعلیقات باشد.

۷. نسخه‌های دیگری که پس از درگذشت مؤلف کتابت شده است. این نسخه‌ها بر دو دسته‌اند: قدیم و جدید، که قدیم بر جدید مقدم است، و آنچه دانشمندی استنساخ کرده باشد، یا برای دانشمندی قرائت شده باشد و مورد تأیید واقع شده باشد، برتری دارد.

گاهی چند حالت پیش می‌آید، یکی آنکه به نسخه جدید صحیح و معرب بر می‌خوریم که بر نسخه قدیمی که در آن تصحیف و تحریف شده باشد، برتری دارد، دیگر آنکه به نسخه بسیار متأخری بر می‌خوریم که مستقیماً از روی نسخه مؤلف؛ یا از روی نسخه معاصر مؤلف، یا غیر از این موارد خاص، به شکلی نیکو نسخه‌برداری شده است، اگر به نسخه مؤلف دست نیافتیم، باید هدف از تحقیق، رسیدن به نزدیکترین شکلی باشد که مؤلف آن را تألیف کرده است و از تصحیف و تحریف برکنار است؛ زیرا به‌طور کلی هرچه تاریخ تحریر نسخه خطی از روزگار مؤلف دور شود، تحریفات نسخه‌برداران در آن افزون می‌گردد.

۸. اگر برای کتابی نسخه‌های شناخته شده دیگری وجود داشته باشد، برای آنکه کتاب، پس از انتشار به بررسی و اعراب‌گذاری

می‌دانیم مطالبی که این دو علم برای آشنایی به شیوه علمی تحقیق پیشنهاد می‌کنند، بسیار مفصل است و ادای حق آنها در چند صفحه امکان‌پذیر نیست.

در اینجا ما از پیدایی تألیف یا علم خط‌شناسی و مأخذشناسی یا شیوه ناسخان یا اصطلاحات حدیث بحث نمی‌کنیم. گرچه تمام اینها به شیوه تحقیق کمک می‌کنند؛ زیرا هرکس که به تصحیح و نشر متون می‌پردازد، بایستی بیشتر، از این مطالب باخبر باشد. بنابراین سخن خود را درباره شیوه‌های علمی تحقیق که محققان را در کار بررسی متون و ترتیب آنها کمک می‌کند، کوتاه می‌کنیم.

## گردآوری و ترتیب نسخه‌ها

### الف) گردآوری

۱. چون بخواهیم یکی از متون قدیمی را بررسی کنیم، در رجه اول، بایستی تا حدود امکان برای شناختن نسخه‌های متعدد - که گاهی به صورت پراکنده در کتابخانه‌های جهان یافت می‌شود - اقدام کنیم.

۲. این کار با رجوع به کتاب بروکلیمان GAL و ضمائم آن، امکان‌پذیر است. اگر این کتاب برای حل مشکل کافی نباشد، بهتر است، به فهرست مخطوطات عربی کتابخانه‌هایی که اطلاع از آنها برای بروکلیمان ممکن نشده، یا به آنچه، پس از تکمیل ضمایم کتاب بروکلیمان فهرست شده، رجوع شود.

۳. پس از آنکه محل نسخه‌ها را شناختیم، بایستی برای شناختن نسخه‌ها به کمک فهرست‌ها اولین تحقیق را آغاز کنیم و نسخه‌های مورد نیاز را برگزینیم و از آنها عکس بگیریم، تا تصویر متن صحیح را که از تصحیف و تحریف بعدیها مصون مانده است، در اختیار داشته باشیم.

۴. از نسخه‌هایی که در کتابخانه‌های فهرست نشده یافت می‌شود، بایستی اول عکس گرفته شود و سپس مورد بررسی واقع گردد.

### ب) ترتیب نسخه‌ها

ترتیب نسخه‌ها به شرح زیر است:

۱. بهترین نسخه‌ای که برای تصحیح و نشر بایستی متن قرار گیرد، نسخه‌ای است که به وسیله خود مؤلف کتابت شده باشد.
۲. پس از دست یافتن به نسخه مؤلف، بایستی تحقیق کنیم که مؤلف کتابش را در یک مرحله تألیف کرده است یا در چند مرحله،

۱. حقیقت آن است که بیشتر دانشمندان تألیفات خود را در آغاز کار به شکلی تألیف می‌کنند و سپس مطالبی بر آن می‌افزایند؛ یا از آن کم می‌کنند. مانند: از تاریخ دمشق ابن عساکر، دو نسخه به‌جا مانده که نسخه جدید هشتاد مجلد و نسخه قدیم پنجاه و هفت مجلد است؛ از کتاب وفيات الاعیان نیز، دو نسخه به‌جا مانده و کتاب الروضین، شامل دو نسخه قدیم و جدید است که دومی مورد اعتماد است. تذکره نویسان گاهی در مورد تطور نوشته‌های مؤلفان، این نکته را یادآور شده‌اند؛ یا آنکه خود مؤلف، در ذیل آخرین نسخه اثر خود، به این موضوع اشاره کرده است.

مجدد نیازمند نگردد؛ تصحیح و نشر آن به اعتماد یک نسخه، جایز نیست.

### ج) دسته‌بندی

۱. بعضی کتابها باگذشت زمان مورد قبول همگان واقع شده و در نتیجه نسخه‌های خطی آن افزون گردیده است. در این نسخه‌های متعدد، گاهی دیده می‌شود که سه نسخه یا بیشتر و کمتر، در اشتباهات یا پاورقی یا کم و زیادی متن بسیار شباهت دارند که از اصل واحدی نقل شده است. در چنین مواردی نسخه‌های مشابه را دسته‌بندی می‌کنیم و برای هر دسته، حرفی به علامت اختصار تعیین می‌کنیم، مانند (دسته الف، دسته ب، دسته ج) و از هر دسته، نسخه‌ای بر می‌گزینیم؛ تا هنگام ثبت اختلاف نسخه‌ها، مورد استشهاد واقع شود.

### بررسی متن، هدف از تحقیق و شیوه آن

هدف از تحقیق، ارائه متن صحیح است، بدون شرح، به شکلی که مؤلف تدوین کرده است. بیشتر ناشران متوجه این نکته نیستند، در نتیجه پاورقیها را از شرح و زواید پر می‌کنند، از قبیل: شرح لغات، شرح اعلام و نقل مطالبی از کتب چاپی که در متن به آنها اشاره نشده و تعلیق بر سخن مؤلف. این شرحهای مفصل و کسل‌کننده گاهی خواننده را از مطالعه متن باز می‌دارد.

بررسی متون بایستی به شیوه زیر انجام شود:

۱. تحقیق در صحت کتاب و نام آن و انتسابش به مؤلف.
۲. اگر نسخه را مؤلف با خط خود نوشته، بایستی رسم الخط آن، به همان صورت حفظ شود.
۳. اگر مؤلف قسمتهایی را که از کتابهای دیگران نقل کرده، مأخذش را یادآور شده، بایستی آن مطالب، به همان شکل عرضه شود و به کم و زیادی یا درستی و نادرستی کار او، به اختصار، در پاورقی اشاره شود. مانند گفته شود: این متن در فلان کتاب، با اختلاف لفظ، یا زیادی، یا غیر آن آمده است.

۴. گاهی مؤلف، مأخذ خود را ذکر نمی‌کند، در این صورت اگر محقق مأخذ را می‌شناسد، بهتر و اطمینان بخش‌تر خواهد بود که هر مطلبی را با مأخذش ذکر کند.

این دو مطلب (۳ و ۴) فقط برای اطمینان از درستی متن، مورد استفاده واقع می‌شود.

۵. گاهی قلم بر مؤلف پیشی می‌گیرد، یا حافظه به او خیانت می‌کند، در نتیجه لغت یا اسمی اشتباه ثبت می‌گردد. محقق می‌تواند این اشتباه را در پاورقی اصلاح کند، و متن را همان‌گونه که هست حفظ نماید؛ زیرا متنی که مؤلف با خط خود نوشته، گواه بر اندیشه و دانش و شخصیت علمی اوست.

۶. اگر نسخه‌ها مختلف باشند، یک نسخه را به عنوان اساس کار بر می‌گزینند، تا متن اصلی حفظ شود.

۷. در پاورقی به اختلاف نسخه‌ها، یعنی اختلاف روایتها اشاره می‌شود.

۸. در صورت وجود اختلاف روایت، پس از تحقیقی که مصحح برای درستی هر روایت انجام می‌دهد، آنچه از لحاظ درستی برتری دارد در متن می‌آید و عبارت تصحیف و تحریف شده، یا مطلب اشتباهی در پاورقی ذکر می‌گردد.

۹. اگر در یکی از نسخه‌ها مطلبی دیده شود که در نسخه اصل نیامده، بایستی به نسخه اصل افزوده گردد و در پاورقی به آن اشاره شود. البته این کار وقتی صحیح است که برای محقق مسلم شود، زیادی مربوط به اصل کتاب است و از طرف ناسخ نیست، در غیر این صورت زیادی را می‌توان در پاورقی نقل کرد، یا به آن اشاره نمود.

۱۰. اگر حرفی یا کلمه‌ای از متن افتاده باشد، محقق مجاز است افتادگی را به متن اضافه کند. مشروط بر آنکه کلمه اضافی را در پرانتز بگذارد (رک: رمزها). قداما افزودن آنچه از سند یا متن حدیث افتاده باشد و تجدید نوشته‌های رنگ رفته کتابهای حدیث را مجاز دانسته‌اند.<sup>۱</sup>

۱۱. اگر در نسخه‌ای پارگی یا سوراخی ایجاد شود و مقداری از متن از بین برود و قسمت از بین رفته در نسخه‌ای دیگر، خطی یا چاپی، موجود باشد - و آن متن از مصدر اول نقل شده باشد - می‌توان افتادگی را از روی آنها تکمیل کرد، و در پاورقی این مطلب را یادآور شد، و افزودگی را در پرانتز قرار داد (رک: رمزها). اما اگر محقق افتادگی یا قسمت نانوخته را در مأخذ دیگر نیافت، بایستی متن را به همان صورت باقی‌گذارد و در پاورقی به مقدار افتادگی یا نانوخته اشاره کند.

۱۲. بعضی از مصححان در صورت وجود نسخه‌های متعدد، از گزینش یک نسخه مورد اعتماد خودداری می‌کنند، یعنی در آن

۱. آقای هارون، متن مهمی از ابن کثیر را در این زمینه، در کتاب خود نقل کرده است. رک: تحقیق النصوص، قاهره، ۱۹۵۴م.

## میراث شهاب

۴. کتابت اسمهای علم همچنان که امروز متداول است ضروری است، مانند: سلیمان به جای «سلیمان»؛ و حارث به جای «حرث» و خالد به جای «خلد» و معاویه به جای «معوویه» و مروان به جای «مرون»؛ و مالک به جای «ملک». در اینجا تذکر این نکته بی‌مناسبت نیست که مجمع علمی عربی، هنگام انتشار تاریخ دمشق نظر داد، اسمهایی که در قرآن آمده، با رسم الخط قدیمی باقی بماند، مانند: اسحق و ابراهیم و اسمعیل.

به عقیده من، الف بعضی از کلمات که در گذشته حذف شده بهتر است، گذارده شود، مانند: لاکن به جای «لکن»، و هاؤلاء به جای «هؤلاء» و هاذا به جای «هَذَا»، الخ. باید دانست که امروز در کشور مغرب (مراکش)، این الف را در کتابت تمام این کلمات می‌گذارند.

۵. جدا نوشتن اعداد، مانند: سبع مئة به جای سبعمئة یا سبعمایة، و ثلاث مئة به جای ثلاثمئة یا ثلاثمایة.

لازم به تذکر نیست که محقق، در مقدمه کتاب هنگام معرفی نسخه، بایستی رسم الخط اصلی کتاب و نمونه‌هایی از آن و شیوه‌ای را که مصحح برای تبدیل آنها برگزیده است، یاد آور شود.

### علامتهای اختصاری

گاهی در متون به کلمات و جملاتی بر می‌خوریم که بسیار تکرار شده‌اند، مانند: صلوات، بر پیامبر؛ و رحمه الله، پس از ذکر درگذشتگان؛ و رضی الله عنه، در مورد ذکر نام صحابه؛ و کلمات حدثنا، أخبرنا و أنبأنا، در کتابهای حدیث. قدما برای مقداری از این‌گونه کلمات علامات اختصاری وضع کرده‌اند و اسامی بعضی از کتابها را مختصر کرده و با یک یا دو حرف به آنها اشاره نموده‌اند.

مقداری از این علامتهای اختصاری چنین است:

رحمه الله = رحه، تعالی = تع، رضی الله عنه = رضه، الی آخره = الخ، انتهی = اه، حدثنا = ثنا، أخبرنا = انا، أنبأنا = انبا.

گاهی علامتهای اختصاری کلمات حدثنا، أخبرنا، انبأنا را نه تنها در مورد اسناد حدیث به روایان به کار می‌برند، بلکه در خود متن نیز ذکر می‌کنند.<sup>۲</sup> در کتابهای حدیث، برای اسامی کتابهای ششگانه

واحد به چند نسخه تکیه می‌کنند. گرچه این شیوه برای مصحح گاهی آزادی نامحدود ایجاد می‌کند؛ ولی نمی‌توان مطمئن بود که با این آزادی از لغزش مصون بماند، مگر آنکه مصحح در شناخت مؤلف کتاب و سبک و زبان او و شناخت خود کتاب توانایی کافی داشته باشد. با این همه بهتر است، به یک نسخه اعتماد کرد و آن را به دیگر نسخه‌ها مقابله نمود و روایات نیکو و درست را برگزید.

۱۳. محققان قدیم اگر از کتابی دو نسخه می‌یافتند؛ یکی را با دیگری مقابله می‌کردند و موارد اختلاف را در حاشیه یکی از آنها نقل می‌کردند و می‌نوشتند: «فی نسخه کذا». در این گونه موارد، آنچه در حاشیه نقل شده معتبر است. مصحح می‌تواند، میان حاشیه یا متن یکی را برگزیند و در پاورقی به آن اشاره کند.

۱۴. گاهی دانشمندی کتابی را می‌خواند و بعضی عباراتش را اصلاح می‌کند، این عبارات اصلاح شده، به ارزش نسخه می‌افزاید. اگر مصحح با آن تصحیح موافق باشد، می‌تواند عبارت اصلاح شده را در متن قرار دهد و در پاورقی به اصل آن اشاره کند. به‌طور کلی در پاورقی بایستی به تمام تعلیقات و حواشی نسخه، اشاره شود.

### رسم الخط

اگر نسخه به خط مؤلف باشد، حق آن است که مصحح متن را به همان صورتی که مؤلف تدوین کرده است، نقل کند.

ولی چون خط عربی با گذشت زمان تغییر کرده است، بهتر است متن را با رسم الخطی که امروز متداول است، منتشر کنیم. قدما این کار را مجاز دانسته‌اند.<sup>۱</sup> گاهی به کتابهای قدیمی بر می‌خوریم که کلماتش بدون نقطه است، و امروز انتشار آن بدون نقطه ممکن نیست و گاهی به متونی بر می‌خوریم که اعراب و شکل در آنها رعایت نشده، یعنی فاقد همزه، ضمه، فتحه، کسره، تشدید و جزم است و اگر آن را به شکل اولیه باقی‌گذاریم، اشتباه پیش می‌آورد. در این صورت بهتر است دستورات زیر رعایت شود:

۱. همزه ابتدا را - به‌ویژه اگر معنی را عوض کند - بایستی همیشه بگذارند، مانند: اعلام و إعلام (به کسر همزه دومی).

۲. برای رفع اشتباه میان «الف مقصوره» و «ی» - در مواردی که ممکن است، در قرائت آنها اشتباه شود - بایستی در زیر «ی» دو نقطه بگذارند. مانند: ابي و ابي.

متأسفانه در مصر، حروف چاپی «ی»، فاقد این دو نقطه هستند.

۳. تشدید را همیشه بایستی گذاشت.

۱. رک: صلاح صفدی، در مقدمه الوافی بالوفیات، جلد اول، تحقیق ه. ریتز، استانبول، ۱۹۳۴م.

۲. رک: نسخه حسینی، ذیل «علی البحر» (نسخه عارف حکمت، در مدینه).

حدیث (صباح سته) و غیر آنها علامات اختصاری می‌گذارند؛ مانند: علامه بخاری (خ)، علامه مسلم (م)، علامه ترمذی (ت)، علامه ابی داود (د)، نسائی (ن) و قزوینی (ق)<sup>۱</sup>.  
بعضی از خاورشناسان در مورد کلماتی که زیاد تکرار می‌شوند، پیروی از این شیوه را مجاز می‌دانند، در مورد نام مآخذی که در پاورقی تکرار می‌شود نیز، پیروی از این شیوه امکان‌پذیر است (رک: مصادر).

### شکل (اعراب)

برای اعراب‌گذاری متن، بایستی به شیوه زیر عمل شود:

۱. اگر تمام یا قسمتی از متن معرب باشد، بایستی تمام متن اعراب‌گذاری شود.
۲. اعراب‌گذاری آیات قرآنی و احادیث واجب است.
۳. برای اشعار و امثالی که خواندن آنها دشوار است، اعراب می‌گذارند.
۴. کلماتی که معنی آنها بدون اعراب تولید اشتباه می‌کنند، مانند: فعل ماضی معلوم و مجهول (ضَرَبَ بفتح ضاد، و ضَرِبَ بضم ضاد) بایستی، اعراب‌گذاری شوند.
۵. اسمهای علم عجمی که معرب یا مرکب شده‌اند، بایستی با رجوع به کتابهای رجال و تذکره‌ها معرب شوند.  
اگر متن از اساس معرب بوده، یا بعد به وسیله دیگران معرب شده، بایستی در مقدمه ذکر گردد.

### عنوانها

عنوان بابها و فصلها را با حروفی بزرگتر از حرف متن ثبت می‌کنند.

### تقسیم متن و شماره گذاری آن

۱. تقسیم، ترتیب و فصل‌بندی مؤلف، در چاپ باید رعایت شود.
۲. در متنهایی که از اساس برای آنها تقسیمی نشده، اگر لازم باشد می‌توان آنها را به صورتی فصل‌بندی کرد که به متن خللی وارد نشود و برای هر فصلی عنوانی تعیین نمود و در پرانتز نوشت (.)
۳. اگر متن تقسیم‌بندی شده باشد، ابواب آن را شماره گذاری می‌کنیم.
۴. اگر متن مورد تصحیح، ترجمه باشد، نام مترجم را با حروفی

- کوچک‌تر از حروف متن بالای حاشیه در کنار صفحه یا در وسط صفحه می‌گذارند، و شماره رجوع می‌دهند.
۵. در کتابهای حدیث، احادیث را شماره گذاری می‌کنند.
۶. دیوانهای شعر را به شکلی که فصل‌بندی شده، باقی می‌گذارند، یا قوافی را به ترتیب حروف الفبا مرتب می‌کنند و قصاید و قطعات را شماره گذاری می‌کنند.
۷. بهتر است متون منظوم و منثور را سطر‌بندی کنند، یعنی سطرها را پنج به پنج یا سه به سه، شماره گذاری کنند.

### احادیث

۱. کلمات «أخبرنا، حدثنا و أنبأنا» که در سند ذکر شده، بهتر است، مختصر شوند.
۲. اسناد را باید با حروفی کوچک‌تر از حروف متن ثبت کنند.
۳. اصل حدیث را از اول سطر شروع می‌کنند و اولین راوی را در متن ذکر می‌کنند.

### نقطه و فاصله و رمز

۱. نقطه را در پایان جمله‌هایی که معنی آنها تمام شده می‌گذارند.
۲. فاصله (ویرگول) را چنین (،) می‌گذارند، و این فاصله را نباید همراه نقطه بنویسند. (یعنی بدین شکل ؛).
۳. علامت استفهام و تعجب (؟ - !)، در موارد مناسب می‌گذارند.
۴. پس از مشتقات کلمه قول دو نقطه می‌گذارند، مانند قال محمد:
۵. در متونی که سجع به کار رفته، سجعها را با ویرگول از یکدیگر جدا می‌کنند.
۶. اگر در متن افتادگی پدید آمده باشد، به جای افتادگی نقطه می‌گذارند، یعنی به جای هر کلمه افتاده سه نقطه می‌گذارند (...).

### پرانتر و خط و رمز

- ( ) آیات قرآن را در داخل این‌گونه پرانترها ثبت می‌کنند.  
« فاصله مزدوج (گیومه) اگر نام کتابی در متن آمده باشد

۱. رک: معجم الشیخ النبل، ابن عساکر، (نسخه‌ها در دمشق و خالده، در بیت المقدس) در مقدمه می‌گوید: «برای هریک از این گروه، حرفی قرار دادم؛ تا به نویسنده کم فرصت، کمک کنم؛ زیرا جزء، نماینده کل است.»



می آورند و آنها را با خطی از یکدیگر جدا می کنند. این شیوه، مخصوص بعضی از خاورشناسان آلمان است.

گروه سوم، این دو شیوه را با هم مخلوط می کنند.

گروه چهارم، در صفحات کتاب، جز متن اصلی چیزی نقل نمی کنند، یعنی اختلاف روایتها و تعلیقات را به آخر کتاب اضافه می کنند.

اما شیوه محققان ما، گروهی در شرح، تعلق و تفسیر لغات زیاده روی می کنند و برخی به طور کلی از این کار پرهیز دارند.

بنابراین، شیوه ای که باید از آن پیروی شود، کدام است؟

اگر منظور از تصحیح و بررسی متون، ارائه کردن متن صحیح است - همچنان که خود مؤلف تدوین کرده - شیوه گروه اول برای رسیدن به این مقصود صحیح تر به نظر می رسد؛ زیرا اختلاف نسخه ها عبارت صحیح را که بایستی در متن قرار گیرد برای ما روشن می کنند. بدین سبب پاورقیها در درجه اول باید به اختلاف نسخه ها منحصر شود و در درجه دوم، برای معرفی مآخذی که در متن از آنها یاد شده و برای ارشاد محققان سودمند است، می توان از پاورقی استفاده کرد.

برای شرح و معرفی مآخذی که در متن از آنها یاد شده، بایستی نکات زیر رعایت شود.

۱. مآخذ مطالب منقول در متن را در پاورقی معرفی می کنند، مانند: قال ابن سعید... در پاورقی می نویسند: «في الطبقات، ج فلان، ص فلان».

۲. در مورد آیات قرآنی، بایستی به شماره آیه و شماره سوره اشاره شود.

۳. برای احادیث به مأخذ حدیث اشاره می شود. مانند: «أخرج أحمد في مسنده»، آنگاه مجلد مسند و شماره حدیث را ذکر می کنند.

البته به شرط آنکه احادیث شماره گذاری شده باشند.

۴. اشعار و شواهد، اگر ممکن باشد بایستی به مآخذ آنها در دیوانها و اختلاف روایتهای موجود در کتب ادبیات اشاره شود؛ ولی اگر سراینده شعر معلوم نیست، محقق باید برای معرفی سراینده تا حد امکان بکوشد.

از این بحث اسمهای علم و اماکن و لغات مشکلی که در متن آمده باقی می ماند. اگر آنچه که در متن نقل شده به تصحیح اسم علمی یا نام مکانی یا ذکر لغتی نیاز دارد، بایستی این اصلاح در پاورقی ذکر گردد. اما اگر بخواهند شرح حال اسم علم را بنویسند، یا جغرافیای محل را تعیین کنند، یا به شرح لغتی بپردازند، بهتر است

بایستی آن را داخل گیومه بنویسند.

-- دو خط کوتاه (دو تیره) علامتی است که در دو طرف جمله های معترضه می گذارند.

|| دو خط عمودی، جملات نسخه دوم را که در اصل متن نیامده در میان می گیرند.

<> پرانتز شکسته، آنچه مصحح از پیش خود اضافه می کند، مانند: حروف و کلمه ای که مناسب با سیاق جمله است، بایستی در این علامت ثبت شود.

[ ] دو قوس مربع، مطالبی که از نسخه دوم، به نسخه اصلی اضافه شده، یا به آن استشهد گردیده و عنوانهای تازه ای که به اصل متن افزوده شده، بایستی در این علامت قرار گیرند.

( ) پرانتز عادی، این پرانتز داخل متن می آید و روی برگ مخطوط را در میان می گیرد، مانند می نویسند: (۲۵).

( ) همچنین این پرانتز داخل متن پشت برگ مخطوط را در میان می گیرد، مانند: (۱۵). یعنی صفحات فرد مخطوط را با علامت «آ» مشخص می کنند و صفحات زوج را با علامت «ب» و سپس شماره صفحه را کنار این حروف می گذارند.

( کذا) این پرانتز با کلمه «کذا»، مترادف است و در مواردی که قرائت متن برای محقق دشوار باشد، پس از عبارت مشکوک این علامت را می گذارند. هر نسخه از نسخه های خطی بایستی با حرفی که از نام مؤلف آن کتاب گرفته می شود؛ یا اسم کتابخانه ای که نسخه در آن یافت شده، یا نام شهری که کتابخانه در آن واقع است، نام گذاری شود.

به مجموعه نسخه های خطی متعدد، با حروف ابجد اشاره می کنند، مانند: گروه «ب»، گروه «ج».

## پاورقیها

مطالبی که تا اینجا گفته شد، به نمای خارجی متن منتشر شده مربوط می شود، ولی کار علمی و انتقادی مصحح با ایجاد پاورقی علمی آشکار می گردد. خاورشناسان تنظیم این گونه پاورقیها را هنری خاص می دانند که به دانش و مهارت نیازمند است.

محققان عرب برای ثبت پاورقیها راههای گونه گون پیموده اند. گروهی، اختلاف نسخه ها را در پاورقی نقل می کنند و تعلیقات و ملحقات را جدا گانه به آخر کتاب می افزایند. این شیوه، مخصوص بسیاری از خاورشناسان فرانسوی است.

گروه دوم، اختلاف نسخه ها و تعلیقات را با هم در پاورقی

آنها را به ملحقات آخر کتاب اضافه کنند، تا متن با پاورقیهای بسیار سنگین نگردد. اگر برای تنظیم ملحقات نیز، کتاب سنگین می‌گردد و دشواری پیش می‌آورد، می‌توان در مورد اعلام، فقط به سال وفات و ذکر مأخذ، بدون شرح اشاره کرد؛ ولی برای اماکن، ذکر محل و مأخذ بدون تفصیل کافی است. اما در مورد لغات - به ویژه لغاتی که در فرهنگها نیامده، یا لغاتی که به تمدن گذشته مربوط می‌شوند - بهتر است برای شرح و تفسیر آنها، فهرستی به آخر کتاب افزوده گردد.

### اجازات و سماعات

۱. چون اجازات (دست به دست شدن یا شنیدن از کسی یا خواندن حدیث بر کسی) برای تحقیق در احوال رجال حدیث و شناخت زمان آنان اهمیت دارد، بایستی هنگام انتشار کتابهای حدیث، اجازاتی که در نسخه‌های خطی ثبت شده، در متن چاپی آورده شود.
۲. هر سطر که در آن اجازه یا سماع است، جداگانه نقل می‌کنند.
۳. این سطرها را شماره می‌گذارند و شماره‌ها را در داخل پرانتز ( ) قرار می‌دهند.
۴. برای سماعات علامت اختصاری می‌گذارند و حروف این علامات بایستی از حروف متن نازکتر باشد.
۵. سماعات را با حروفی ریزتر از حروف متن ثبت می‌کنند. پس از نقل سماع بایستی نام شنونده، خواننده و نویسنده سماع و تعداد شنوندگان و مکان سماع و تاریخ سماع ذکر شود.

### فهرستها

هدف از فهرست‌نویسی، آسان کردن بهره‌گیری از مطالب کتاب منتشر شده است، به گونه‌ای که برای هر محقق، دست یافتن به مطالب کتاب ممکن باشد. بدین سبب کتابهایی که خاورشناسان منتشر کرده‌اند، به وسیله فهرستهای سودمندی که برای آنها تنظیم شده، بسیار مورد استفاده واقع شده است. فهرستها به دلیل اختلاف موضوع کتاب متفاوتند. برای تمام مطالب سودمند هر کتاب، می‌توان فهرستی جداگانه تنظیم کرد که برای دیگر کتابها به ندرت تنظیم می‌شود؛ ولی باید دانست که این‌گونه فهرستها را ابتکار نمی‌نامند. بعضی از محققان در تنظیم فهرست برای مطالب بی‌فایده افراط کرده‌اند. گروهی برای لغاتی که در فرهنگها آمده، فهرست وضع کرده‌اند؛

این کار شگفتی است، زیرا فرهنگها خود فهرست تنظیم شده‌اند. فهرستهای تقلیدی که امروز تنظیم می‌شوند عبارتند از:

۱. فهرست اعلام: مردان، زنان، قبایل، خاندانها و ....
  ۲. فهرست اماکن و کشورها.
  ۳. فهرست کتبی که در متن آمده است، این فهرست برای شناسایی مأخذ مؤلف - که گاهی زیاد است - سودمند است. آنگاه برای هر کتاب، به تناسب موضوع، فهرستی تنظیم می‌کنند. برای دیوان شعر یا کتاب ادبیات، فهرست قوافی اشعار وضع می‌کنند. برای کتابهای حدیث، فهرست احادیث تنظیم می‌کنند و حروف اول آنها را به ترتیب الفبا مرتب می‌سازند. برای کتابهای جغرافیایی، فهرست اماکن تاریخی و نقشه‌برداری [حفاری] تنظیم می‌کنند. برای کتابهای تذکره، از ذکر اعلام خودداری می‌کنند و فقط برای نویسنده یا گوینده شرح حال فهرست تنظیم می‌کنند. برای کتابهای تاریخ، فهرست مهمترین حوادثی که در کتاب آمده است، وضع می‌کنند و امثال اینها.
- بنابراین تنظیم فهرست لغتهایی که نشانه تمدن است و لغتهایی که در فرهنگها نیامده و گاهی به حسب تصادف در هر کتاب پیش می‌آید، ضروری است؛ زیرا ممکن است، در آینده، از مجموع این فهرستها، فرهنگ لغتهایی تألیف گردد که در فرهنگهای موجود یادی از آنها نشده است؛ چون فرهنگهای موجود با تطور و گسترش لغت، همگام نبوده‌اند.

فهرست بر دو نوع است:

۱. فهرستهای ساده و معمولی که در آنها اسم علمی ذکر می‌شود و به شماره صفحاتی که این علم در آنها آمده است، اشاره می‌شود.
  ۲. فهرستهای مفصل که اسم علم را در آنها نقل می‌کنند و سپس به واسطه هر اشاره کوچکی که در هر صفحه کتاب به آن علم شده، از او یاد می‌کنند. به این‌گونه فهرستها بایستی فهرست موضوعی - که اخیراً بعضی از محققان به تنظیم آنها پرداخته‌اند - افزوده گردد. تنظیم فهرست موضوعی، به کوشش بسیار نیازمند است؛ ولی سود فراوان هم در بردارد.
- بهر حال آنان که به کار تنظیم فهرست می‌پردازند، باید به شیوه تحقیق آشنا باشند.

### شیوه نگارش مقدمه

پس از آنکه مصحح از چاپ متن فارغ شد، بایستی به نوشتن مقدمه بپردازد. این کار برای آن است که گاهی مصحح ناچار می‌شود، در

تمام اینها اشاره می‌شود؛ و اصل آنها به آخر کتاب افزوده می‌گردد.  
۱۲- تعلیقات (معرفی کسانی که مالکیت آنان بر صفحات کتاب نوشته شده است).

۱۳- ارائه عکس صفحه‌های اول و آخر یا هر صفحه جالب دیگر، از متن کتاب. در ذیل عکسها بایستی به محل صفحه در متن اشاره شود.

اگر نمونه‌ای از خط مؤلف یافت شود، بهتر است، تصویر آن به کتاب چاپی افزوده گردد.

۱۴- اگر نسخه‌های مورد اعتماد متعدد باشد، بایستی همه را معرفی کنند.

۱۵- پس از معرفی نسخه مخطوط، جدول علائم اختصاری و رمزها را قرار می‌دهند، مانند: رمز نسخه‌ها و رمز پراوتزها و ...

## فهرست مآخذ

برای بررسی و تصحیح هر متن، محقق به مآخذ زیادی رجوع می‌کند که در مقدمه یا پاورقی از آنها یاد می‌کند. برای این مآخذ بایستی در آخر کتاب فهرستی تنظیم شود و نام کتاب و مؤلف و تاریخ چاپ و مصحح آنها، در این فهرست ذکر گردد. در مورد کتب چاپی، پس از نام مؤلف، نام مصحح کتاب را ذکر می‌کنند. مانند: معجم البلدان، تألیف یاقوت حموی، تصحیح و ستفلد، چاپ لایپزیک، ۱۸۷۰م. اگر برای ذکر مآخذی که در پاورقی نقل خواهد شد، به شیوه اختصاری عمل می‌کنند، بایستی علامت اختصاری را با اسم کامل آن در جدولی ذکر کنند. مانند: وفیات = وفیات الأعیان، تألیف ابن خلکان، قاهره، سال فلان.

\* \* \*

این بود شیوه‌های عمومی که در تصحیح متون بایستی از آنها پیروی شود. در تنظیم این مجموعه، شیوه صحیحی برگزیدیم که از تقلید کورکورانه از خاورشناسان برکنار است؛ و از پریشانی و بی‌هدفی که در کار بعضی از مصححان عرب دیده می‌شود، خالی است.

مقدمه، به صفحات کتاب اشاره کند و این کار امکان‌پذیر نیست؛ مگر آنکه چاپ تمام متن به پایان رسیده باشد.

مقدمه بایستی شامل سه مطلب باشد:

۱- معرفی موضوع کتاب و مطالبی که پیشتر درباره کتاب تألیف شده است.

۲- معرفی خود کتاب و مقام آن در میان کتابهایی که در همین موضوع تألیف شده؛ و معرفی مطالب تازه‌ای که به خوانندگان این کتاب عرضه می‌شود؛ و ارزش تألیف، مقام مؤلف و شرح حال او با ذکر مآخذ.

۳- معرفی نسخه‌ای که برای تصحیح برگزیده شده و متن قرار گرفته است. برای معرفی نسخه خطی، بایستی دستورهای زیر رعایت شود:

۱- معرفی آنچه بر صفحه اول کتاب ثبت شده، مانند: نام کتاب، نام مؤلف، و تحقیقی درباره درستی نام کتاب و انتساب آن به مؤلف.

۲- ذکر تاریخ نسخه‌ها و نام کاتب نسخه. از کسانی که نام این اثر را در تألیفات خود آورده‌اند، در صورت امکان بایستی یاد شود.

۳- اگر کتاب از نام مؤلف بی‌نصیب باشد، مصحح باید برای معرفی مؤلف کوشش کند. یعنی از موضوع و سبک کتاب، و اعلام متن و سخن مؤلفانی که در آثار خود از دیدار و ملاقات این مؤلف گمنام یاد کرده‌اند؛ برای شناخت او باید استفاده شود.

اگر کتاب دارای تاریخ تحریر نباشد، عمر مخطوط را از روی خط و کاغذ تعیین می‌کنند.

۴- تعیین تعداد صفحات مخطوط و اندازه گیری طول و عرض آن و تعداد سطرها در هر صفحه و طول هر سطر و تعیین پاورقیها و ابعاد آنها ضروری است.

۵- تعیین نوع خط و اینکه آیا مخطوط با یک خط نوشته شده یا با دو خط متفاوت ...

۶- معرفی رسم الخطی که کاتب از آن پیروی کرده و ذکر نمونه‌هایی از لغتهایی که مصحح رسم الخط آنها را در چاپ تغییر داده است.

۷- معرفی نوع مرکب و اختلاف رنگ آن. گاهی فاصله‌ها را با جوهر قرمز و آبی می‌نویسند. به تمام این موارد بایستی اشاره شود.

۸- معرفی کاغذ و نوع آن.

۹- افزودگیها.

۱۰- تعلیقات در پاورقی.

۱۱- اجازات (مناوله، اجازه قرائت و اجازه سماع). در مقدمه، به